

حماسه

"از آغاز تا دوران معاصر"

«آشنایی با ادبیات انقلاب اسلامی»

استاد: دکتر شکرپی

محسن غلامحسین زاده

قبل از این که وارد بحث حماسه شویم یاد آوری این نکته جالب است که «حماسه» در پنجاه سال اخیر در تعبیرات واصطلاحات ادیبان ایرانی وارد شده است و قبل از آن کسی شاهنامه را «حماسه» نخوانده بود. این واژه «حماسه» که لغتی عربی است؛ فقط در ایران کاربرد دارد و خود عربها به جای آن «ملحمه» می گویند

شاید واژه فارسی که می توانستیم به جای آن بگذاریم «حمله» بود. با توجه به کتابهایی نظیر حمله حیدری که در این منظومه ها حمله در معنی حماسه است.

حماسه تقریبا در همه ی جوامع وجود دارد، اما در ادبیات عرب، علی رغم این که کلمه ی حماسه عربی است؛ با تمام گستردگی اش از حماسه به معنی واقعی آن خبری نداریم؛ زیرا جامه ی قبیله ای عرب، قابلیت پیدایش حماسه را نداشته و درگیرها بیشتر قبیله ای و داخلی بوده است. در عرب، حماسه به همین حرکت‌های جزئی و خروشها و جدالها و یاد مفاخرات شخصی و قبیله ای گفته می شود. و اگر این سوال پیش بیاید پس چرا کشورهایی مثل مصر که دارای ملت واحد بودند حماسه ندارند جواب این است که تنها ملت‌هایی دارای حماسه هستند که در آنها روح حماسی وجود داشته باشد.

«از آن جا که حماسه ها مضمون و محتوای خاصی دارند و بیشتر تاریخ اولیه ملت ها را بازگو می کنند؛ در تاریخ ادبیات ملت ها در دوران خاصی به وجود می آیند. از این رو اوج دوران حماسه سرایی در ادبیات هر ملت، زمانی است که، ملتها به تجدید حیات ملی خود نیاز و توجه دارند؛ و

یاد آوری شکوه تاریخ گذشته ، وسیله ای برای تقویت روح ملی و ایجاد اتحاد در میان مردما نشان است « (کریمی لاریمی، رضا؛ ۴۷:۱۳۸۸)

حماسه چیست؟

حماسه در لغت به معنی «دلآوری دلیری و شجاعت است» و در نوع ادب حماسی «از رخداد ها و اعمال دلآوری و مردانگی قهرمانان و پهلوانان یک ملت یا آیین و کیش گزارش و توصیف می شود که در راه استقلال کشور یا تکوین حکومت و حفظ آیین و کیش می کوشد» (رزمجو، حسین؛ ۲۳:۱۳۸۱).

«حماسه شعری است داستانی و روایی با زمینه قهرمانی و صبغه قومی و ملی که حوادث بیرون از حد و عادت در آن جریان دارد» (شفیعی کدکنی ، محمد رضا؛ ۱۳۷۲):

«همان گونه که از تعاریف انواع شعر حماسی بر می آید وظیفه شاعر در این نوع ادبی به نظم در آوردن افتخارات و بزرگی های قوم و ملت خود است و به نوعی می توان گفت: شعر او آینه تمام نمای تاریخ ملتی است که او در میانشان زندگی می کند . به همین دلیل شاعر حماسه سرا به جنبه های مختلف اجتماعی و سیاسی قوم خود آشناست و شیوه زندگی و مناسبت های اجتماعی

و سیاسی یک ملت را می توان از طریق این حماسه ها بدست آورد.» (صدری، احمد

رضا، ۱۳۸۹: ۱۲)

«شعر حماسی در کشف جنبه های مهم و ارزنده اجتماعی پدید آمده است. شاعر اجتماعی چه آن کسی که سروده های نخستین را سروده است و چه آنچه منظومه نهایی را به وجود آورده نه تنها به خاطر خویش، بلکه به خاطر یک گروه، یک موقعیت و یک ملت سخن می گوید» (حماسه در رمز و راز ملی ص ۲۷)

برای روشن تر شدن موضوع و این که حماسه چیست ابتدا ویژگی هایی را که یک اثر باید داشته باشد تا به آن اثری حماسی بگویند را مطرح می کنیم. «توضیحاتی که در کتاب های انواع ادبی آمده تنها با حماسه های اسطوره ای و نخستین مطابقت دارد و ویژگی هایی که برای حماسه بیان شده به گونه ای است که گویی همه از درون داستانهای شاهنامه گرفته شده و برخی از این ویژگی ها حتی با حماسه های سنتی یا اسطوره ای نیز که جزء اصلی ترین حماسه ها محسوب می شوند نیز تطابق ندارد.» (شیری، قهرمان: ۱۳۸۸: ۵۹)

برای نمونه ویژگی های حماسه در کتاب انواع ادبی شمیسا را می آوریم:

«۱- جنگاوری و رشادت ۲- نقش عمده داشتن حیوانات ۳- کشته شدن هیولا یا جانور مهیب به دست قهرمان ۴- گیاهان عجیب با خواص جادویی ۵ مافوق طبیعی بودن قهرمان ۶- نقش داشتن نیرو های متافیزیکی در ماجرا ۷- طرفداری گروهی از خدایان از یک قهرمان و طرفداری گروه دیگر از قهرمان دیگر (جنگ خدایان) ۸- عاشق شدن ایزد بانویی به قهرمان و بی اعتنائی قهرمان

به او ۹- قهرمان ملی و قومی بودن شخصیت حماسه ۱۰- گستردگی قلمرو حماسه در همه افاق
۱۱- خارق العاده و غیر طبیعی بودن اعمال قهرمان ۱۲- وجود ضد قهرمان ۱۳- سفر های دراز و
مخاطره آمیز قهرمان ۱۴- کردار های بزرگ ملی یا معنوی قهرمان ۱۵- انبرد تن به تن ۱۶- استفاده
از انواع صلاح ها ۱۷- به کار گیری فریب و نیرنگ ۱۸- دور بودن مرگ قهرمان از منظر عمومی
۱۹- پیش گوئی و آینده بینی ۲۰- وجود جادوان و دیوان و غولان ۲۱- ارتباط شاعر با الهگان
شعر ۲۲- عینیت و اقتدار و سادگی و عظمت ۲۳- سبک عالی ، معنایی جدی و الفاظ سنگین و
فاخر.» (شمیسا، سیروس: ۱۳۸۹؛ ۷۴-۸۶)

وقتی ما از حماسه صحبت می کنیم و می گوییم این شعر یا نثر حماسی است همگان فکر می
کنند که در آن باید حتما خون ریزی و درگیری های زیادی باشد ، در حالی که «جنگ و در
گیری در حماسه ها همیشه الزاما فیزیکی نیست . گاهی جدال از نوع فکری و اعتقادی است (
داستان حلاج) گاهی جدال با عناصر مختلف و مرموز طبیعت است (ادیسه) گاهی جدال به نفس
پرستی نا به هنجاری های درونی مربوط است (منطق الطیر) و گاه نیز جدال ها جنبه سیاسی و
اجتماعی دارند (کلیدر) و گاه جنبه قومی و ملی (ایلیاد).» (شیری، قهرمان: ۱۳۸۸؛ ۶۳-۶۴)

این که در حماسه ها کارهای خارق العاده وجود دارد و قهرمان در آن از نیرو های عجیب و غریب
استفاده می کند دلیل این نیست که در داستان های حماسی عقلانیت و حقیقت ماندنی وجود
ندارد بلکه «مقید بودن به حقیقت ماندنی و عقلانیت از خصیصه های عمومی در حماسه ها است
اما آن نوع حقیقت ماندنی که صرفا مترادف با واقع نمایی باشد نیست ، بلکه هماهنگی حاکم بر

همه عناصر موجود در فضای کلی روایت است و انطباق آنها با منطق عقلانی». ()

شیری، قهرمان: ۱۳۸۸؛ ۶۳ و ۶۴)

خصوصیات کلی همه انواع حماسه ها را از گذشته های دور تا به امروز می توان چنین خلاصه کرد:

« ۱- وجود کشمکش فیزیکی و فکری طولانی در بطن ماجرا (جنگ و جدال) ۲- حضور شخصیت ها و نیرو های قدرتمند در هر دو سوی درگیری (قهرمان و ضد قهرمان) ۳- آشتی ناپذیری منش ها و کنش ها در هر دو سوی تنازع (نا ممکن بودن اجتماع نقیضین) ۴- سرسختی در استادگی بر موضع ستیزش گرایانه خود از هر دو سو (استمرار مقاومت) ۵- وجود دو جبهه حق یا نا حق یا حق و حق تر و تمایز دقیق در مرز آنها (تمایز حق و باطل) ۶- تعلق قهرمان حماسه به ارزش های برتر ، ملی، مذهبی ، مدنی و انسانی (آشکار گری ارزشها) ۷- اعتماد به نفس و ایمان و اشراف قهرمان به آینده (پیش گویی) ۸- اثبات حقانیت طرفداران حقیقت حتی به رغم شکست و نابودی (اثبات مشروعیت) ۹- اجازه جولان دادن به هر دو جبهه اما تمرکز بر جبهه حق (بی طرفی روایی و جانب داری ارزش ها) ۱۰- سرشار بودن قهرمان از سادگی و صداقت (یک رویگی شخصیت) ۱۱- شکوهمندی شالوده واقعیت و روایت (عظمت واعتلا) ۱۲- پیرنگ ماجرای و منسجم (انسجام درونی) ۱۳- فخامت و صلابت و شاعرانگی زبان و بیان (نمط عالی) ۱۴- نقل و نمایش دقیق و مداخله گرانه (روایت و قضاوت) ۱۵- اغراق و عقل باوری (مبالغه منطقی)» (شیری، قهرمان: ۱۳۸۸؛ ۶۶-۶۷)

انواع حماسه :

آثار حماسی بسته به موضوع و درون مایه و شرایط به وجود آمدن آنها به انواعی می توان تقسیم کرد :

تقسیم بندی نوع اول «۱- حماسه های اساطیری ملی ۲- حماسه های تاریخی ۳- حماسه های دینی ۴- حماسه های عرفانی.»

«تقسیم بندی نوع دوم: حماسه ها یا طبیعی و راستین هستند یا حماسه های مصنوع نوع اول که حماسه طبیعی است مولف مشخصی ندارد بلکه یک ملت در تمام نسل ها تدوین کننده آنها است و تنها برای بیان وجوه عظمت و نبوغ آن قوم به وجود آمده. در این منظومه های حماسی، شاعر به ابداع و خلق توجهی ندارد بلکه داستان های مدون کتبی یا شفاهی را که ظاهرا از برخی از وقایع تاریخی نشأت گرفته را با استفاده از قدرت شعری خود توصیف می کند مثل شاهنامه فردوسی.» (رزمجو، حسین؛ ۳۲: ۱۳۸۱-۳۳)

نوع دوم حماسه های مصنوع که تقلیدی از حماسه های طبیعی و فقط یک شاعر آن را به وجود آورده و سروده مانند خاوران نامه ابن حسام که شاعر با استفاده از تخیلات شاعرانه حضرت علی(ع) را قهرمان داستانهای خود قرار می دهد و او را مانند رستم در شاهنامه تصور می کند. همان گونه که در سرتاسر این منظومه دیده می شود سراسر تقلید، از شاه نامه فردوسی است. « کتاب اوستا قدیمی ترین متنی است که در بخشهایی از آن داستان های ملی و حماسی ایران آورده شده (مخصوصا در نسک یشت ها). پس از نشر آیین زرتشتی و ترجمه هایی که از آن به

زبان پهلوی انجام می‌گیرد و همچنین به دلیل علاقه‌ای که اغلب پادشاهان سلسله ساسانی به جمع‌آوری و تدوین روایات متعلق به ایران باستان دارند، و از طرف دیگر نقل شفاهی این روایات و داستان‌ها موجب افزایش و کاستی‌هایی در مضامین و اجزای آن داستان‌ها می‌شود، تا اینکه به تدریج حماسه‌های ملی به شکل داستان در می‌آیند. با ترجمه این داستان‌ها از زبان پهلوی به عربی و سپس به فارسی دری، این ترجمه و روایات شفاهی که به ایرانیان قرن‌های اولیه اسلامی منتقل شد، توسط شاعران با ذوق و میهن‌دوست مثل دقیقی و فردوسی، اسدی طوسی به نظم در می‌آید، و کلاً ادبیات حماسی ملی را به وجود می‌آورد» (رزمجو، حسین؛ ۶۱: ۱۳۸۱-۶۲)

برای به وجود آمدن اثر حماسی ملی ایران (شاهنامه) علاوه بر سیر تاریخی که ذکر کردیم؛ عامل دیگری نیز نقش داشت و آن این بود که بعد از حمله اعراب به ایران و شکست ایرانیان برخی از مردم به عنوان بنده به سرزمین‌های اعراب برده شدند؛ در آنجا با آنها خیلی تحقیر آمیز، برخورد کردند تا جایی که این باعث شد ایرانیان - که صاحب حس ملی بودند و علاقه به ایران از قدیمی‌ترین آثار ادبی و مذهبی آنها آشکار است - نهضتی ضد عربی به وجود آورند و به بیان مفاخر و ماثرنیاکان خود بپردازند و همین حالت است که اندک‌اندک به نظم حماسه ملی در قرن چهارم و پنجم منجر شد. (صفا، ذبیح‌الله: ۱۳۷۹؛ ۱۴۱-۱۴۳)

اولین شاهنامه‌ها از لحاظ قدمت زمانی:

قدیمی‌ترین آنها شاهنامه منثور ابوالموید بلخی در آغاز قرن چهارم هجری است - اثر منثور حماسی دیگر را به نام اخبار گرشاسب را نیز به ابوالموید بلخی نسبت داده‌اند. شاهنامه دیگری

که ابوریحان در کتاب آثار باقیه عن قرون الحالیه نام می برد به نام شاهنامه ابوالعلی محمد بن احمد بلخی است- که ما از آن نسخه ای در دسترس نداریم- اثر دیگر شاهنامه ابومنصور محمد بن عبدالرزاق است و در انتها شاهکار ادب حماسی شاهنامه فردوسی. (صفا، ذبیح الله؛ ۱۳۷۹: ۱۶۶)

منظور ما از (دین) در حماسه های دینی که جزء حماسه های مصنوع است بیشتر دین اسلام است و خاصه تشیع . آقای ذبیح الله صفا مراتب به وجود آمدن حماسه های مذهبی را این گونه ذکر می کند که ؛ از آثار شیعه در قرن ششم معلوم می شود که دسته ای خاص به نام «مناقب خوانان» یا مناقبیان ، ظاهرا از عهد ال بویه به بعد در ایران سرگرم کار بودند. کار این دسته آن بود که مردم برگرد آنها اجتماع می کردند و ایشان قصاید و اشعاری در ذکر مناقب امامان شیعه می خواندند. همراه این مناقب حکایاتی هم نقل می شد که در آنها از شجاعت های حضرت علی ابن ابیطالب (ع) و ... سخن می رفت ؛ این کار مقدمه ایجاد داستانهای قهرمانی و منظومه های حماسی دینی درباره جنگ های حضرت علی (ع) و اولاد او شده و از این راه منظومه های بدیعی در ادبیات فارسی به وجود آمده که از جمله خاوران نامه ابن حسام و یا حمله حیدری باذل ... (صفا، ذبیح الله؛ ۱۳۵۷: ۶۵)

اما حماسه های تاریخی چطور به وجود آمدن. آقای رستگار فسایی این گونه توجیه کرده که:

از هجوم مغول به ایران در سال ۶۱۶ و انقراض دولت خوارزم شاهیان، تا ایلغاریان تیمور دورانی پر آشوب و ویرانگر در تاریخ ایران اتفاق افتاد. شعر فارسی جنبه درباری خود را از دست داد و جنبه غیر ادبی و عمومی پیدا کرد. تفکر صوفیانه رواج یافت و شعر عرفانی رونق گرفت و شعر حماسی ملی که از اواخر قرن پنجم رنگ باخته بود و متروک شده بود با حمله مغولان یکباره به دست نیستی سپرده شد. و جای حماسه ملی حماسه های مذهبی و تاریخی در این دوران به وجود آمد (رستگار فسایی، منصور؛ ۱۳۸۷):

و شاید دلیل آن علاقه زیاد حکام مغول به نگارش تاریخ باشد که شاعران را به سرودن حماسه تاریخی - برای صله گرفتن از حکام مغول - تشویق کردند. از جمله آنها می توان شهنشاہ نامه تبریزی اشاره کرد که در مورد احوال چنگیز خان و جانشینان او است.

در این میان تنها خواجه کرمانی است که سعی می کند با سرودن سرگذشت سام نریمان به تقلید از فردوسی دوباره حماسه ملی را احیا کند، اما از همان آغاز کار سررشته کلام را از دست داد و تسلیم روح زمان و یاس حاکم بر آن گردید. و در جریان کار سام بیشتر شبیه اسکندر و سام نامه همانند اسکندر نامه نظامی می شود و در آن روحیه غنایی و عاشقانه و نتیجه گیری های عرفانی بر روح حماسه غلبه می کند. (رستگار فسایی، منصور؛ ۱۳۸۷)

حماسه های عرفانی

«قهرمانان حماسه های عرفانی، انسانهای جوینده حقیقت و کمال خواه هستند که روحشان به صلاح برنده ذکر و فکر مجهز است و آورد گاهشان، در عرصه درونی جان و دل قرار دارد؛ و

جنگشان با نفس اماره یا با گردنکشان و راه زنان و دیوان (خصلتهای بد درونی) است. »

رزمجو، حسین؛ ۱۳۸۱: ۲۹۷-۲۹۸)

برای نمونه بخشی از داستان ابراهیم ادهم که مولوی در مثنوی معنوی خود بدان اشاره کرده را - گوشه ای از حیات معنوی و حماسه عرفانی او-را در ابیات ذیل می آوریم:

گشت او سلطان سلطانان داد	« پور ادهم مرکب آن سو راند شاد
تا بیابی همچو او ملک خلود	...ملک برهم زن تو ادهم وار زود
حارسان بر بام اندر دار و گیر	خفته بود آن شه شبانه بر سیر
طقطقی و های وهویی شب ز بام	بر سر تختش شنید آن نیک نام
گفت با خود این چنین رهرو کرا؟	گام های تند بر بام سرا
این نباشد آدمی مانا پری	بانگ زد بر روزن قصر او، که کیست
گفت اشتر بام بر، کی جست ، هان؟	هین چه می جویید ؟ گفتند اشتران
چون همتی جویی ملاقات اله	پس بگفتندش که تو بر تخت جاه
چون پری از آدمی شد ناپدید	خو همان بود دیگر او را کس ندید
خلق کی بیند غیر ریش و دلق	معنی اش پنهان او در پیش خلق
همچو عنقا در جهان مشهور شد»	چون ز چشم خویش و خلقان دور شد

و از این زمان به بعد، سرودن حماسه های تاریخی و مذهبی ادامه پیدا می کند که به صورت

لیست وار به این صورت است :

حماسه های تاریخی

۱ - شاهنامه قاسمی : حماسه ای تاریخی، شامل دو قسمت، در شرح سلطنت شاه اسماعیل صفوی

۲- جنگ نامه کشم در ۲۶۳ بیت توسط "قدری" نامی در محرم ۱۰۳۲ هـ ق سروده شده و

موضوع آن اشغال جزیره قشم توسط پرتغالی ها است ۳- جرون نامه از همان شاعر قبلی، در مورد

تصرف جزیره هرمز توسط امام قلی خان بیگی . ۴ . شهنشاهنامه صبا : از فتعلی خان صبای کاشانی

در عهد قاجار، که در شرح جنگ های عباس میرزا با مهاجمان روس است ، در حدود ۴۰۰۰۰

بیت.

حماسه های مذهبی

۱- صاحب قران نامه: در مورد داستان حمزه عموی پیامبر که در سال ۱۰۷۳ هجری سروده شده

۲- حمله حیدری از باذل مشهدی، راجع به زندگی پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) ۳- مختار نامه

از عبد الرزاق آقا بیک، متخلص به مفتون راجع به جنگ های مختار ثقفی ۴- شاهنامه حیرتی در

ذکر غزوات حضرت رسول و ائمه اطهار حدود ۲۰۸۰۰ بیت ۵- غزو نامه اسیری در شرح غزوات

حضرت رسول و سراینده آن اسیری نام دارد ۶- حمله حیدری از یکی از شاعران قرن ۱۳ به نام

بمان علی متخلص به راجی در مورد جنگ های حضرت علی ۷- خداوند نامه از فتعلی خان صبا

که در مورد شرح احوال حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) است ۸- اردیبهشت نامه از
سروش اصفهانی از شعرای عهد قاجار در بیان احوال پیامبر و ائمه اثنی عشر ۹- دلگشادنامه از
میرزا غلامعلی آزاد بلگرامی از شعرای قرن ۱۲ در مورد اخبار مختار بن ابو عبیدثقفی ۱۰- جنگ
نامه از شاعری متخلص به «آتش» در مورد جنگ های حضرت علی (ع) ۱۱- داستان علی اکبر
در شرح احوال علی بن حسین و قاسم بن حسن (ع) از محمد طاهر بن ابو طالب. (صفا، ذبیح
الله؛ ۳۴۳: ۱۳۷۹-۳۹۰)

حماسه در دوران مشروطه :

ما در این دوره، بیشتر شعرهایی با لحن حماسی داریم تا منظومه های حماسی و این لحن
حماسی اغلب در شعرهای وطن خواهانه دیده می شود. بنابراین به صورت خیلی مختصر
عواملی که باعث ایجاد نگرش های وطن خواهانه و همچنین توجه شاعران به ایران باستان
شد را بررسی می کنیم :

همزمان با تحولات وسیع در همه شئون سیاسی و اجتماعی در عصر مشروطه ادب فارسی نیز از
این تغییرات مصون نماند . تحول مفهوم وطن و توجه به ایران باستان از جمله دگرگونی
های فکری این عصر است. در مورد وطن دوستی و توجه به ایران باستان در این دوره چند
عامل موثر است :

الف احیای هویت ملی :

گرایش به ایران باستان در عصر مشروطه به عنوان بخشی از پیشینه ی هویت ایرانی نتیجه تلاش ایرانی هایی بود که به ضرورت عصر در پی جست و جوی هویت ملی و احیای آن بودند اینان که بیشترین تلاششان برای سرفرازی ایران بود قبل از هر چیزی نیاز مند به اثبات اعتبار هویت خویش بودند ، و ایران باستان اسناد غیر قابل انکاری در اختیارشان می گذاشت تا از نا امنی حاصل از بی هویتی در امان باشند. (نیکو بخت ، ناصر؛ ۷۳: ۱۳۶۰). برای نمونه در پایین شعری از سید صادق سرمد می آوریم که با لحنی حماسی در مورد وطن سروده:

ما کفن از بهر پیکار وطن پوشیده ایم	ما نه پیراهن پی تشریف تن پوشیده ایم
تا به راه خدمت میهن کفن پوشیده ایم	تن رها کردیم تا پیراهن از سر وا کنیم
ما به تن جوشن زخون تهمتن پوشیده ایم	خصم اگر بسته است تیر از ترکش افراسیاب
رخت نو بر تن ز تاریخ کهن پوشیده ایم	جامه نو دو لتان کهنه است پیش ما که ما
ما سر پیمان زان پیمان شکن پوشیده ایم ...	تا نیافتد چشم نا محرم به روی بزم ما

(حقیقت، عبد الرفیع؛ ۱۳۸۱: ۶۳-۷۷)

ب- خوش بینی افراطی به ایران باستان

شاعران دو گروه بودند، گروهی مثل میرزاده عشقی که فقط خوبی های گذشته را می دید و حسرت از دست رفتن آن را می خورد و کسانی مثل بهار که خوش بینی افراطی به ایران باستان را رد می کرد. (نیکو بخت، ناصر؛ ۷۴:۱۳۶۰)

ج التیام احساس حقارت در برابر بیگانه

شکست ایران در جنگ های ایران و روس به ویژه تحمیل دو معاهده خفت آور ترکمن چای و گلستان و استمرار حضور روسها در شمال کشور و انگلیسی ها در جنوب و ضعف حکومت مرکزی ایران و از طرفی آشنایی ایرانیان با تمدن غرب باعث احساس حقارت آنها شده بود . وشاعران در این زمان دست به سرودن شعرهایی حماسی زدند تا این احساس را التیام

بخشند: مثل این شعر از میرزا آقا خان کرمانی :

ایا ملک ایران انوشه بزی	همیشه ز تو دور دست بدی
خوشا روزگاران فرخ زمان	که روم و فرنگ از تو جستی امان
بسی خرم آن روزگار خوشی	که بودت به هر سوی لشکر کشی
همی یاد باد از آن روزگار	که استنبولت بود جای شکار
زهی عصر و فرخ زمانی که باج	تو را آمد از مصر و از کار تاج
خجسته زمانی که در هند و چین	نبشتن نام تو را بر نگیـن

(نیکو بخت، ناصر؛ ۷۶:۱۳۶۰)

برخی از شاعران از جمله میرزا فتعلی آخوند زاده ، میرزا آقا خان کرمانی و جلال الدین میرزا قاجار از اولین مروجان این اندیشه بودند که راه نجات از انحطاط ، بازگشت به ایران قدیم است و در مقابل اینان کسانی چون ادیب الممالک فرهانی ، سید اشرف الدین گیلانی و به ویژه ملک الشعرا ی بهار چنین نمی اندیشیدند و ایران در نظر آنها قبل و بعد از اسلام یکی بود. برای نمونه شعری از بهار :

هان ای ایرانیان، ایران اندر بلاست	مملکت داریوش دستخوش نیکلاست
مرکز ملک کیان در دهن اژدهاست	غیرت اسلام کو جنبش ملی کجاست
برادران رشید این همه سستی چراست	ایران مال شماست، ایران مال شماست
به کین اسلام باز خواسته بر پا صلیب	خصم شمال و جنوب داده ندای مهیب
روح تمدن به لب آیت امن یحیی	دین محمد یتیم کشور ایران غریب

(نیکو بخت ، ناصر؛ ۸۰: ۱۳۶۰)

ث- انتقاد از اوضاع و احوال عصر

باستان گرایی به منظور اعتراض به ویرانی وطن و نا به سامانی امور و انتقاد از علل و عوامل آن یکی دیگر از انگیزه های شاعران باستان گرا در این دوره است. سید اشرف الدین گیلانی

ایران عصر خود را با اوضاع هزار سال قبل مقایسه می کرد و حقایق تاریخی را با تصورات
ایده آلی به هم می آمیخت. و با لحنی حماسی این گونه می سرود . مانند این چند بیت :

ای دل غافل بر احوال وطن خون گریه کن خیز ای عاشق بر این دشت و دمن خون گریه کن
ای دریغا دستخوش شد کشور کاووس کی آه و واویلا که عمر مملکت گردید طی
بر جای رطل جام می ، غولان نهادستند پی بر جای بلبل تکیه زد زاغ و زغن خون گریه کن

(نیکو بخت ، ناصر؛ ۸۱: ۱۳۶۰)

و تحریک غرور ملی و شکست ناپذیری

فرخی یزدی گاهی با تکرار عظمت ایران باستان می کوشد با احیای غرور ملی، مردم را به تجدید
عظمت بر انگیزد :

همتی ای ملت سلاله قارن غیرتی ای مردم نبیره کشواد
تا نشود مرز داریوش چو بصره تا نشود کاخ اردشیر چو بغداد

(نیکو بخت ، ناصر؛ ۸۳: ۱۳۶۰)

حماسه سرایی در دوران قبل از انقلاب

دردوران رضا شاه برخی از اتفاقات باعث می شود که به مفاخر قبل از اسلام بیشتر توجه بشود و
در نتیجه حماسه ملی بیشتر مورد توجه واقع بشود.

دکتر حسن رزمجو در کتاب قلمر ابیات حماسی ایران معتقد است که « با روی کار آمدن رضا خان و فرا رسیدن دوره ی حکومت استبدادی و دین ستیز ، او برای مدرنیزه کردن ایران سیاست خود را در تضعیف روحانیت و حوزه های علمیه، کشف حجاب و تعطیل کردن مجالس عزاداری پایه گذاری می کند. در مقابل به احیای مفاخر ملی و بزرگداشت پادشاهان ایران باستان می پردازد. پس از مرگ رضا شاه ، اندیشه هایش به پسرش می رسد و او نیز به منظور بزرگنمایی ملیت ایرانی و برتر نشان دادن تاریخ و فرهنگ کهن سال ایرانی و به منظور تضعیف اسلام و مفاخر آن راه رضا شاه را ادامه می دهد».

ما در ادامه به ادبیات پایداری که در این سال ها به وجود آمد می پردازیم . به دلیل اینکه در این دوره تنوع موضوعی و همچنین شاعران زیادی وجود دارند. فقط شاعرانی که مشهور تر هستند را بررسی می کنیم..

« از سال ۱۳۳۲ - ۵۷ شعر مقاومت همراه با ابهام و صراحت به مقابله با نابسامانی سیاسی و اجتماعی پرداخت که از جمله شاعرانی که به سرودن این نوع شعر پرداختند می توان بعد از نیما به افرادی چون اخوان ثالث ، شاملو، شفیعی کدکنی ، سیاوش کسرایی ، نعمت میرزاده ، اسماعیل خوبی و خسرو گل سرخی اشاره کرد . از سال ۱۳۳۷ به بعد شعر مقاومت اوج گرفت و پس از کودتای ۲۸ مرداد دچار رکود شد. از سال های ۱۳۴۰ - ۵۰ با آن که رژیم شاه با قدرت و شدت به سرکوب مخالفان خود می پرداخت شعر مقاومت به دلیل اوج گرفتن فشار و سرکوب و مبارزات امام خمینی (ره) و مبارزات مسلحانه به بالا ترین حد رشد خود رسید . مخاطبان شاعران در آن

زمان بیشتر روشنفکران و قشر دانشگاهی بودند و مردم توجه چندانی به این گونه اشعار نشان

ندادند» (کریمی لاری، رضا؛ ۱۳۸۸: ۶۴)

سیاوش کسرایی متخلص به «کولی» دارای چند مجموعه حماسی است. که به اختصار بدین شرح است: «آرش کمانگیر» در سال (۱۳۳۷)؛ «جهان پهلوان» - در مورد تختی - در سال ۱۳۴۰، که با لحنی حماسی به سبک شاهنامه فردوسی سروده شده؛ شعر «بندی خوان هشتم» در سال ۱۳۶۲ در این شعر شاعر با لحنی حماسی از زبان رستم در بند، کارهایی را که قبلا کرده را به یاد می آورد و در پایان «مهره سرخ» .

منظومه حماسی آرش کمانگیر در قالب شعر آزاد یا نیمایی سروده شده است؛ شاعر، افسانه ی این تیر انداز ماهر عهد منوچهر را که برای تعیین مرز ایران و توران - از البرز کوه به سوی جیهون رود ، تیری پرتاب می کند. را از زبان عمو نوروز که برای کودکان قصه می گوید، به شکلی زیبا توصیف کرده :

... لشکر ایرانیان در اضطرابی سخت در آور،

دو دو و سه سه ، به پیچ گرد یکدیگر ...

... دشمنانش در سکوتی ریشخند آمیز، راه وا کردند،

... آرش اما همچنان خاموش ،

از شکاف دامن البرز بالا رفت ، وز پی او :

پرده های اشک پی در پی فرود آمد

... آری آری جان خود در تیر کرد «آرش»

کار صد ها ، صد هزاران تیغه شمشیر کرد آرش... (رزمجو ، حسین؛ ۱۳۸۱: ۳۳۴-۳۳۵)

«از آثار دیگری که قبل از انقلاب در زمینه موضوعات حماسی به وجود آمده منظومه دیگری است

از مهرداد اوستا با عنوان «حماسه آسیا» در قالب مسمط مسدس که موضوع آن شرح دلاوری

هایی است که ساکنان قاره آسیا در طول تاریخ کهن سال و پر فراز و نشیب خود ، به منظور بر

قراری صلح و دوستی و نشر دانش و آزادگی از خود نشان داده اند. که با ابیات ذیل آغاز می شود :

آسیا ، ای باختر را فتنه در خاور شکسته صلح را رایت گشوده ، جنگ را لشکر شکسته

فتنه را کشتی در این دریای پهناور شکسته مرگ را خفتان گسسته ، پی بریده ، پر شکسته

زین به طوفان بادبان بگشوده و لنگر شکسته

نوبتی سکان گرفته ، نوبتی محور شکسته»

(رزمجو ، حسین؛ ۱۳۸۱: ۳۵۶)

«بنا بر آنچه گفته شد حماسه باید در بر گیرنده تاریخ و وقایع با شکوه و افتخار آفرین یک ملت

باشد. اما ما در این میان به نوع دیگری از حماسه بر می خوریم که شاید کمتر مورد توجه قرار

گرفته و آن حماسه شکست است . در این نوع حماسه شاعر دیگر از افتخارات و بزرگی ها و تاریخ

پر صلابت قوم خود با فخر و مباهات سخن نمی گوید بلکه به واسطه ی یک شکست سیاسی یا

تاریخی، روایت گر ناامیدی های ملت خود می شود و آن ها را با زبان و بیان حماسی به نظم در می آورد. مضمون و درون مایه این حماسه ها ناامیدی یاس دلمردگی و نارضایتی از وضع موجود جامعه است و شاعر به جای آن که پیروزی ها را با زبان حماسی بیان کند روایت گر شکست ها و ناکامی ها می شود یا بهتر است بگوییم شاعر برای بیان تلخ ناامید کننده، شکست های اجتماعی و سیاسی و گاه ملی و تاریخی از زبان سخته و محکم و حماسی استفاده می کند که تلخی شکست و ناامیدی در صلابت بیان پنهان می شود. «صدری، احمد رضا؛ ۱۳۸۹: ۱۳)

زبان و بیان اخوان زبانی حماسی است. از دلایلی که که اخوان به زبان و بیان حماسی بسیار علاقه داشته، تحقیق و تفحص بسیار او در متون قدیم و به خصوص متون مربوط به سبک خراسانی است.

«او به گواهی بهترین آثارش از جمله قصه شهر سنگستان، کتیبه، آخر شاهنامه، خوان هشتم، آدمک، میراث... از زبان حماسی و کار برد های آن به خوبی بهره جسته است و آن را در جهت نیل به اهداف خود قرار داده است. اما از موضوع و زبان حماسی برای بیان افتخارات و سر بلندی های قوم خود استفاده نمی کند، بلکه او بر عکس از امکانات زبان حماسی برای بیان درد ها و رنج های ملت خود در طی قرون و اعصار مختلف به خصوص دوره زندگی خود استفاده کرده است. در همه آثار ذکر شده موضوعات و درون مایه هایی با زبان حماسی بیان شده اند که در هیچ کدام خبری از امید و آرزو های یک ملت نیست اخوان همان گونه که خود را «چاووشی خوان قوافل حسرت» نامیده است. در اشعارش به همین راه رفته و شعر های او پر است از ناامیدی، یاس و دلمردگی

شکست و پیدا کردن راهی برای التیام بخشیدن به شکست خفت بار کودتای بیست و هشت

مرداد.» (صدری، احمد رضا؛ ۱۳۸۹: ۸۱)

در ادامه برای روشن شدن بحث قسمت هایی از شعر زمستان را می آوریم:

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت

سر ها در گریبان است

کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و

دیدار یاران را

نگه جز پیش پا را دید نتواند .

که ره تاریک و لغزان است ...

به همین ترتیب زبان و لحن حماسی در این شعر شدت می گیرد و اوج آن را در آخر شعر می

توان دید :

چه می گویی که بیگه شد ،

سحر شد، بامداد آمد ؟

فریبت می دهد ، بر آسمان

این سرخی بعد از سحر گه نیست

حریفا! گوش سرما برده است، این

یادگار سیلی سرد زمستان است

و قندیل سپهر تنگ میدان، مرده یا زنده

به تابوت ستبر ظلمت نه توی مرگ اندود، پنهان است

حریفا رو چراغ باده را بفروز، شب با روز یکسان است...

اخوان به وسیله داستان و روایت با مخاطبانش گفت و گو می کند موقعیت و محتوای شعر او نشات گرفته از تجربیات عامی است که ملتی در جریان تاریخ از سر گذرانده است. به قول دکتر براهینی «اخوان سخنگو اعماق، روان جمعی ما ست» (براهینی، رضا؛ ۱۳۸۰: ۹۶۳) برای نمونه شه زاده قصه شهر سنگستان تمثیلی است از ملتی عزیز صاحب همه مواهب و ثروت های بی شمار و دارای گذشته ای سرا پا پهلوانی و حماسه و شوکت که دزدان دریایی به سرزمینش حمله آوردند؛ ایران قدرتمند بعد از حمله اعراب به طور عام و بعد از سقوط مصدق به طور خاص به سرنوشت آن شهزاده گرفتار آمده اند

کودتای بیست و هشت مرداد سی و دو و سقوط مصدق برای اخوان همان قدر درد ناک و مصیبت بار بوده که حمله تازیان برای فردوسی و حکومت امیر مبارزالدین برای حافظ. (انزابی نژاد،

رضا، ۱۳۸۰: صص ۲-۹)

استفاده اخوان از زبان استوار و فخیم قصاید خراسانی برای سرایش منظومه های بلند حماسی -
اجتماعی نشانی است از شعور بالای شاعر نسبت به توانایی های زبان فارسی. به تعبیر بهتر اخوان
با اشراف بر ادب کهن پارسی می بیند که در دوره رواج سبک خراسانی قصیده و حماسه پهلو به
پهلو پیش می آیند و شکوه حماسی در زبان فخیم قصاید منوچهری عنصری و... تجلی میابد. بنا
براین او هم برای بیان حماسه های اجتماعی امروزی از این زبان بهره می جوید(مظاهری
، جمشید: ۱۳۸۴؛ صص ۱۵۱-۲۷۶)

«آخر شاهنامه ، بهترین نمونه برای نشان دادن زبان و بیان حماسی اخوان است به گونه ای که او
به شخصیت های حماسی که در منظومه های بزرگ ایرانیان آمده نیز اشاره می کند . و تاثیر
شاهنامه در بیشتر اشعار او آشکار است ، همچنین شعر او مملو از واژه ها و تعبیرات و اصطلاحاتی
می شود که در اشعار حماسی می توان مشاهده کرد»(صدری ، احمد رضا ؛ ۱۳۸۹: ۸۵)

«در فاصله خرداد ۴۲ تا بهمن ۱۳۵۷ - که انقلاب به تدریج از قوه به فعل می رسید - آثاری
...حماسی به وجود آمدند ، که در واقع زمینه ساز پیدایش دیگر آثار حماسی شد که در جریان
انقلاب اسلامی ایران یا پس از آن توسط گویندگان دین باور و انقلابی به سلک نظم در آمد .به
عنوان مثال در اشعار ذیل که از مجموعی « در کوچه باغ های نیشابور » دکتر شفیع کدکنی
نقل می شود ، شاعر فرا رسیدن بامداد پیروز آزادی خواهان در بند و سپری گشتن شب سیاه
استبداد را همراه با دعوت آنها به شکیبایی و بردباری در برابر دشمن این گونه مزده می دهد :
گفتم « این باغ از گل سرخ بهاران بایدش ؟»

گفت صبری تا کران روزگاران بایدش.»

تا زبانه رعد و نیزه ی آذرخشان نیز هست ،

گر نسیم و بوسه های نرم باران بایدش .

گفتم «آن قربانیان پار ، آن گل‌های سرخ؟...»

گفت «آری» - ناگهان گریه آرامش ربود-...» (رزمجو ، حسین؛ ۱۳۸۱: ۳۶۶-۳۶۷)

در ابتدا گفتن این نکته ضروری به نظر می رسد که بر خلاف دوره های پیش از مشروطه- به خصوص در اشعار حماسی دوران انقلاب اسلامی- قهرمانان حماسه ها پنداری و خیالی نیستند بلکه همین مردم عادی هستند که حماسه آفرینی می کنند.

در ادبیات فارسی آثار حماسی فراوانی موجود است که همگی از بحر متقارب و بر وزن «فعولن فعولن فعولن فعول (فعل)» می باشد و تقریباً تمامی آثار حماسی ایران به این وزن سروده شده اما انقلاب اسلامی - که همه معیار های ارزشی گذشته را دگرگون کرده- برای بیان موضوعات حماسی و انقلابی خویش به وزن جدید روی آورد که کوبنده تر بود (مستفعلن مستفعلن مستفعلن) این وزن تا پیش از این جز نوادر اوزان عروضی شمرده می شد و بیشتر در سرودن قصیده به کار می رفت اما در دوره انقلاب در قالب مثنوی شاعران مفاهیم حماسی خود را در آن ریختند . (شهری آبادی ، محمد (۱۳۸۱))

البته ناگفته نماند که غزل ها و قصاید فراوانی نیز به این وزن سروده شده که آنها نیز لحن حماسی دارند برای نمونه چند بیتی را از سروده های علی معلم را می آوریم:

هنگامه میلاد خونینی دوباره است	باور کن اینک رجعت سرخ ستاره است
بوم سیاه شب سرا را پر بریدند	شب را به تیغ فجر خونین سر بریدند
در جان عالم جوشش خون حسینی است	اینک قیام قائم مهدی ، خمینی ست

سپیده کاشانی نیز مثنوی بلند و شور انگیزی در همین وزن دارد که موضوع آن دلاوری ها، و جان بازی های رزمندگان اسلام است :

سنگر نشین، ای پاک ای گُرد دلاور	ای پاسدار میهن ای خورشید خاور
آن جا ملایک با تو هر دم همنشینند	قدیسیان نور خدا را در تو بینند
همت که همزمان بهار ما نمیرد	خورشیدمان در اوج خاموشی نگیرد

در برخی از ابیات این مثنوی لحن حماسی فوق العاده زیباست:

با رشته تقوا ، زنان گُرد میهن	بافند روز و شب طناب دار دشمن
-------------------------------	------------------------------

پیشتران جریان شعر دفاع مقدس ، واحد عزیزی و سید مهدی شجاعی بودند که بعد ها شاعرانی

چون جلال محمدی ، نصرالله مردانی ، ساعد با قری سلمان هراتی ، یوسف علی میر شکاک ،

مشفق کاشانی ، فاطمه راکعی در غزل ؛ حمید سبزواری ، استاد شهریار و سپیده کاشانی در

قصیده ؛ قیصر امین پور ، حسن حسینی و میر هاشم میری در رباعی و دوبیتی ؛ سلمان هراتی ،
علی رضا قزوه ، مصطفی علی پور ، احمد عزیزی و علی معلم در مثنوی به آنها پیوسته در زمینه
شعر دفاع مقدس نقش مهمی داشتند.» (کریمی لاری، رضا؛ ۱۳۸۸: ۶۸)

قیصر امین پور :

دیگر قلم زبان دلم نیست ،

گفتم باید زمین گذاشت قلمها را

دیگر سلاح سرد سخن کار ساز نیست

باید سلاح تیز تری برداشت

باید برای جنگ از لوله تفنگ بخوانم

با واژه فشنگ

غزل حماسه

انقلاب در موقعیتی آغاز شد که از میان شکل های شعری قالب غزل از همه فرا گیرتر و گسترده
تر بود ، و ما پس از انقلاب با جنگی نا خواسته رو به رو شدیم که باعث شد شاعران به حماسه
سرایی رو بیاورند و تلفیق این دو باعث شد نوع ادبی «غزل حماسه» به وجود بیاید.

این پیوند مبارک با شروع جنگ و حماسه آفرینی رزمندگان در جبهه ها ، از سوی شاعران جنگ مورد توجه قرار گرفت و آثار قابل توجهی با این ترکیب آفریده شد . این نوع غزل چندان بسامد دارد که بتوان آن را به عنوان یکی از برجستگی های غزل در شعر جنگ مطرح ساخت . شاعرانی همچون «حسین اسرافیلی» ، «نصرالله مردانی» و «ساعد با قری» در آثار خود از «غزل حماسه» بیشترین بهره را گرفته اند. (کافی ، غلامرضا ؛ ۱۳۹۰: ۹۲)

ما از میان این سه شاعر اشعار آقای مردانی را بررسی کردیم تا بیشتر با اشعار وی و لحن بیان او آشنا بشویم:

نصرالله مردانی متولد ۱۳۲۶ شمسی ست که بی تردید شاعر خاص انقلاب است هر چند که اشعاری در قبل از انقلاب نیز با لحنی انتقادی و معترضانه به اوضاع نا به سامان پیش از انقلاب در دست داریم اما از شروع انقلاب به ویژه از ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ به این سو به بیان احساسات شاعرانه خود در باره وقایع انقلاب پرداخت و با سروده های خود که موضوع آنها در مورد انقلاب، تاکید بر شجاعت و غیرت مردم، بزرگداشت شهیدان به ویژه موضوع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس و رزمندگان اسلام و تشویق و ترغیب عواطف مردم به دفاع از میهن و دستاورد های انقلاب اسلامی توانست نقش برجسته ای و ممتاز خود را ایفا کند

قالب غالب شعر مردانی غزل است اما نه از نوع عاشقانه محض ، بلکه غزلی با مضامین حماسی و آمیخته با مایه های عرفانی، موضوعات آنها بر گرفته از متن توده های مردم و وقایع اجتماعی معاصر است .

مردانی تذکره منظوم بی نظیر و ارزش مندی در قالبی بی سابقه و ابتکاری به نام ترجیع مثنوی در ۲۷ بند دارد که با عنوان ستیغ سخن در سال ۱۳۷۱ از سوی سازمان سمت به چاپ رسیده این منظومه بر خلاف موضوع آن که -در باره شاعران و کتب تذکره است- با توجه به روح حماسی شاعر در بحر متقارب و وزن حماسی شاهنامه سروده شده:

برای نمونه چند بیتي از آن را می آوریم:

نخستین شهید تو از بلخ بود	که چون حنظلّه کام او تلخ بود
ز فیروزیت در پگاه ظهور	عروضی بدیع آمد از بوشکور
زتو خسروی خسروانی سرود	«دریغا دریغا جوانی» سرود
تورا هست خاطر که در کودکی	شکفتی چو گل بر لب رودکی
به باغ سخن جویی از مولیان	تو آوردی از دور دست زمان
کسایی امیر تو در مرو بود	سرخسی به باغ تو چون سرو بود
سخن با دقیقت شیرازه یافت	ز عیوقیت منطقی تازه یافت...

(مردانی، نصرالله؛ ۱۳۷۱: ۴۷)

عناصر حماسی در شعر مردانی :

اول اینکه مردانی سخنان خود را بیشتر در قالب غزل طرح کرده نه در قالب مثنوی یا قصیده دوم

اینکه منظور از شعر حماسی بیان غیرتمندی شجاعت مدانگی و روح سلحشوری و مقاومت

رزمندگان ایران اسلامی در برابر متجاوزان بعثی و حامیان آنها است نه از نوع حماسه های اساطیری یا پهلوانی ملی و مذهبی بلکه شخصیت های حماسی مطرح در شعر مردانی افرادی حقیقی عینی و بر خاسته از متن توده های مردم ایران هستند که در حوادثی نقش آفرین شده اند که اعمال و رفتار آنها مورد ستایش ایران و ایرانی و مایه فخر و مباهات مردم ایران بوده و خواهد بود بنابراین حماسه مردانی حقیقتی عینی است نه ساخته و پرداخته تخیلات اغراق آمیز شاعرانه.

فهرستی از عناصر حماسی، رزمی، پهلوانی موجود در شعر مردانی که گاهی به صورت ترکیباتی زیبا در ابیات تعبیه شده اند:

آرشان فاتح - آورد گاه بیداری ؛ آورد گاه ظفر - اسارت شب - اسب خون ، اسب سواران - بابک دلاور ایرانی - بیرق ، بیرق خون دل - پنجه های سحر ، سر پنجه ایمان ... پیش تازان دلیر ، پیکار تفنگ ، تهمتن ، تیر ، تیغ بسم الله ، جبهه ، جنگ ، جنگ جویان دلاور ؛ جوشن ، جوشن تکبیر ، خصم ، خنجر ، ... دیو بد آیین ، سپاه شیاطین ، سنگر ابلیس ، شهید عشق ، ضحاک زمان ، یلان صف شکن و ...

در شعر مردانی واژه خون بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده و با آن ترکیباتی به وجود آورده که یکی از خصایص شعری مردانی به حساب می آید . از این رو اطلاق شاعر خون به مردانی بیراه نیست . مانند : حصار خون - شکوفه خون ، مرهم خون سنگر خون ، سجاده ی خون

ابیاتی شاهد مربوط به این عناصر را نقل می کنیم تا بیان حماسی شاعر در خلال ابیات ببینیم :

به عرش شعلع سحر چون ستاره باید رفت
سمند ساعقه زین کن سواره باید رفت

که در مصاف خصان چون شراره باید رفت
بپوش جوشن آتش به تن، سواره خلق

امیر قافله ی نور می دهد فرمان
به عرصه گاه شهادت هماره باید رفت

یا

ای یلان صف شکن اسطوره شد پیکارتان
کوه آهن آب شد در عرصه پیکارتان

تندر تکبیرتان طوفان سرخ روزگار
نعره های نور جاری از گل رگبارتان...

مردانی شاعری مداح نیست اما اشعار مدحی او - که غالبا مدح امام خمینی است - نیز با لحن حماسی بیان می شود:

بی باوران عالم با چشم دل ببینید
آئینه زمان است این پیر در جماران

یا

بپاخیز و ببین روح خدا ، نوح زمان، آرد
به ساحل کشتی اسلام در این بحر طوفانی

با اینکه از جنبه های زیادی می شود شعر مردانی را بررسی کرد اما به دلیل خارج نشدن از موضوع اصلی از آن می گذریم .

غلامرضا کافی «غزل حماسه» را به دو قسمت تقسیم کرده:

«الف - عارفانه های حماسی :

دوش یاران خبر سوختنش آوردند	صبح خاکستر خونین تنش آوردند
یارب این کشته عریان کدامین عرصه است	که ز بازار تجرد کفنش آوردند
این گلی بود که از خلوت خوشبوی بهار	بهر پر پر شدن اندر چمنش آوردن
لحظه سرخ اجابت ز شفا خانه وصل	مرهم تازه داغ کهنش آوردند
کلبه عاطفه سرشار شد از بوی عروج	وقتی از مصر بلا پیرهنش آوردند .

« ب - سوگنامه های حماسی : در این نوع از غزل ها ، غم فراق شهیدان و مرگ عزیزان همراه با

لحنی حماسی به تصویر کشیده می شود » (کافی ، غلامرضا ؛ ۱۳۹۰ : ۹۵)

برای نمونه غزلی از نصرالله مردانی را می آوریم:

در دشت شب چوپان باران زار می زد

خورشید در آن سوی ظلمت جار می زد

در ماتم گل‌های عاشق باد مجنون

شیون کنان سر بر حصار خار می زد

بی رقص بانوی شقایق مانده خاموش
رودی که با آواز جنگل تار می زد
منصور گل بر بر صخره های سرخ ایثار
بانگ انا الحق با دلی بیدار می زد
اسب زمان سمهاپولادین و سنگین
برگرده ی این خاک آدم خوار می زد
سرهای بی تن در هوا پرواز می داد
مردی که در خود دیو من بردار میزد ...
(مردانی، نصرالله : ۱۳۷۰)

در ادامه اشعار عاشورایی این دوره را- که دارای لحن حماسی است- بررسی می کنیم :

«عاشورا فرهنگ نامه عرفان و ایمان و شهادت ، شفاف ترین و با شکوه ترین حماسه تاریخ اسلام است . این الگوی بی نقص و کامل از سپیده دم انقلاب اسلامی تا روزهای آتش و حماسه و خون در هشت سال دفاع مقدس ، تکیه گاه اصلی حرکت و پشتوانه بزرگ ایثار ها و عظمت هایی بود که در جای جای جبهه ها آفریده می شد .» (کریمی لاری، رضا؛ ۱۳۸۸: ۹۲)

با شروع انقلاب اسلامی کربلا بارزترین اسوه و الگوی مبارزه شد. شعار های مفقود عاشورا، که هرگز در سروده های شعرای پیشین به کار گرفته نشده بود، در فرهنگ مبارزه و جهاد راه یافت و شعار و شعر، آکنده از جملات و اشاراتی شد که ملهم از عاشورای حسینی بود. در تداوم انقلاب اسلامی، شروع جنگ تحمیلی این شعار ها با ابعاد عارفانه به همراه پیام های دیگر نهضت حسینی، در جبهه ها منعکس شد و باعث استقامت و پایداری رزمندگان می شد (کریمی لاری، رضا؛ ۱۳۸۸: ۹۳)

در بسیاری از شعر های شاعران این دوران تاثیر پذیری از واقعه کربلا را به وضوح می بینیم. و با این که ما در تاریخ ایران و اسلام جنگ های بیشماری داریم اما هیچ کدام به عنوان الگو در نیامد. برای نمونه در ذیل شعر سپیدی از مصطفی علی پور شاعر مازندرانی می آوریم :

« آه ای فرات

چگونه چون گرد باد

بر خود نمی پیچی از درد؟

وقتی که این گونه

شمشیر در بازوان تو می نهد

در کنار تو

میدان در آتش عطش خاکستر می شود... (علی پور، مصطفی: ۱۳۷۲؛ ۴۵-۴۶)

شاعران این دوران عاشورا و دفاع مقدس در اشعارشان با هم تلفیق کرده اند و با استفاده از صحنه های عاشورا وقایع جنگ را بیان کرده اند طاهره صفر زاده در سروده ای بانام «پیشواز» ایستادگی و مقاومت رزمندگان را در جبهه با ایستادگی یاران امام حسین مقایسه کرده و آن را در ادامه همان راه خوانده است . او با الهام از این عبارت معروف زیارت عاشورا - انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم میسراید:

در سرزمین آبی جبهه

کسی به خویش نمی اندیشد

کسی به مرگ و مال نمی اندیشد

و ارتفاع صخره و کوه

به زیر پای دلیرانی است

کز ارتفاع عقیده

از ارتفاع ایمان می جنگند...

و حنجره های زخمی

زیر فشار ظلم ابر باطل ها

مدام می خوانند:

ما در محاربه هستیم

با هر که با حسین به جنگ است

و در صلحیم

با هر که با حسین به صلح است. (صفر زاده، طاهره؛ ۱۳۶۶: ۳۵-۴۰)

شاید حسن ختام حماسه سرایی در این دوران که ما بررسی کردیم «شاهد نامه» باشد. این اثر بر خلاف شعرهای پیشین، یک منظومه حماسی است. و جالب تر این که به سبک شاهنامه فردوسی - به بحر متقارب و در حدود دوهزار و پانصد بیت است - سروده شده. سراینده آن که خود یکی از رزمندگان جنگ بوده و از نزدیک ناظر حماسه آفرینی دلاور مردان ایرانی بوده؛ سرتیپ بهمن گرمی متخلص به «خاک» است.

شاعر نیز بسان ابن حسام در منظومه حماسی خاوران نامه؛ در ابتدا فردوسی را به خواب می بیند و به وسیله امر فردوسی شروع به سرایش این منظومه می کند:

« تو این نیزه را که داری به دست رها کن خدا می زند بر هدف»

و در ادامه شاعر در باره نحوه به وجود آمدن «شاهد نامه» این گونه ادامه می دهد:

« چو بیدار از این خواب روشن شدم
 به سوی قلم چون نظر کردمی
 ورق بود دستی و دستی قلم
 نوشتم همان بیت زیبا و نغز
 بلرزیدم از دیدن آن دمی
 که فرموده آن مرد بیدار مغز
 « تو این نیزه را که داری به کف
 رها کن خدا می زند بر هدف »
 زدم تکیه بر لطف پروردگار
 که ما را کند فاتح روزگار
 و این نامه شاهدان را شروع
 نمودم همان لحظه قبل از طلوع
 به نام خداوند رزم آوران
 ستاننده جان غارت گران »
 (رزمجو حسین : ۱۳۸۱؛ ۳۸۰)

به دلیل اینکه نتوانستم این منظومه را پیدا کنم تنها به توضیحاتی که در کتاب قلمرو ادبیات حماسی اکتفا کردم. در پایان یاد آوری این نکته ضروری است که به دلیل گستردگی بسیار زیاد بحث حماسه و حماسه سرایی در ایران خلاصه کردن آن در این چند صفحه امکان پذیر نبود و بحث های زیادی در این مجموعه آورده نشده ، خصوصا در مورد شاعران حماسه سرای بعد از انقلاب که تعداد اشعار حماسی آنها بسیار زیاد بود. و اشاره کردن به آنها امکان پذیر نبود. و اگر در بعضی جا ها کلی گویی شده دلیل آن نداشتن منابع است که با وجود پیگیری های مصرانه برای یافتن آنها به دست نیامدند. در آخر از زحمات شما در طول ترم سپاسگزارم و اینکه مرا به خاطر نارسایی ها و نواقص موجود در این تحقیق معذور دارید.

منابع

- ۱-مختاری، محمد(۱۳۷۹) حماسه در رمز و راز ملی، انتشارات قطره
- ۲- رزمجو، حسین(۱۳۸۱) قلمرو ادبیات حماسی، جلد اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۳- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۴) حماسه سرایی در ایران، انتشارات فردوسی
- ۴- شمیسا، سیروس(۱۳۸۹) انواع ادبی، نشر میترا
- ۵- رستگار فسایی، منصور(۱۳۸۷) «حماسه سرایی در ایران پس از حمله مغول تا ظهور صفویان، آینه میراث، سال ششم، شماره ۲، صص ۵- ۲۱»
- ۶- صفا، ذبیح الله (۱۳۵۷) گنج سخن، نشر دانشگاه تهران
- ۷- حقیقت، عبد الرفیع، (۱۳۸۱) شاعران بزرگ معاصر " از دهخدا تا شاملو، انتشارات کومش
- ۸- براهینی، رضا (۱۳۸۰) طلا در مس، جلد دوم، انتشارات زریاب
- ۹- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۲) انواع ادبی و شعر فارسی، رشد آموزش ادب فارسی، سال هشتم، شماره ۳۲
- ۱۰- مردانی، نصرالله، (۱۳۷۰) خون نامه خاک (مجموعه شعر)، انتشارات کیهان
- ۱۱- مردانی نصرالله، (۱۳۷۱) سستیغ سخن (تذکره منظوم)، سازمان سمت

۱۲- کریمی لاری، رضا (۱۳۸۸) جلوه های ادبیات پایداری در سروده های شاعران مازندران، موسسه انتشارات توسعه علوم

۱۳- صدری، احمد رضا (۱۳۸۹) بررسی حماسه شکست در اشعار مهدی اخوان ثالث، پایان نامه کارشناسی ارشد، سمنان، دانشگاه سمنان

۱۴- شیری، قهرمان (۱۳۸۸) نقد حماسه و تراژدی بر اساس کلیدر دولت آبادی، فصل نامه علمی پژوهشی کاوش نامه، سال دهم، شماره ۱۸

۱۵- نیکو بخت، ناصر (۱۳۸۶) انگیزه های توجه به ایران باستان در شعر عصر مشروطه، فصلنامه پژوهشهای ادبی، شماره ۱۵، صص ۱۳۹-۱۵۳

۱۶- کافی، غلامرضا (۱۳۸۹) شناخت ادیات انلاب اسلامی، ناشر: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس

۱۷- مظاهری، جمشید و محمود براتی و غلامرضا فولادی (۱۳۸۴) «نگاهی به شعر اخوان با تکیه به تاثیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره ۴۱، صص ۲۵۱-۲۷۶

۱۸- شهری آبادی، محمد (۱۳۸۱) دگرگونی شعر فارسی پس از انقلاب اسلامی، نشریه مشکوه، سال پنجم، شماره ۳۰

۱۹- علی پور مصطفی (۱۳۷۲) از گلوی کوچک رود (مجموعه شعر) تهران حوزه هنری

۲۰- انزابی نژاد ، رضا(۱۳۸۰) صیغه حماسی در شعر فارسی معاصر ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه،

۲۱- صفار زاده ، طاهره(۱۳۶۶) دیدار صبح، چاپ اول ، انتشارات نوید شیراز